




God's Kindness in the Holy Qur'an, with the Approach of Answering the Doubts of Atheists in the Virtual Space*

Hasan Kharaghani¹ 

Javad Irvani² 

Mohammad Danesh Mazraji³ 

ABSTRACT

Rahmat (kindness and mercy) is one of the God's attributes in act, which denying it from Him, is tantamount to declaring deficiency and nothingness in His essence. Moreover, we believe, based on the verses of revelation, that the foundation of creation is based on God's mercy and kindness, and many verses of the Holy Qur'an prove this fact by reminding us of the manifestations of His kindness. Among them: honoring servants and bestowing favor upon them, covering their faults, preaching, warning and encouraging them, accepting their repentance, and delaying their punishment. This is despite the fact that many atheists, in their works and writings, especially in the virtual space, contradict the truth of God's kindness and mercy by arousing some doubts, and by spreading their thoughts on social media networks, they try to present a harsh and terrifying image of the believers' God.

This article was prepared using the descriptive-analytical method and reviewing library sources, to answer the doubt of atheists in the virtual space regarding this issue, by mentioning the manifestations of God's kindness and mercy in the Holy Qur'an, such as: honoring servants and bestowing favor upon them, covering their faults, preaching, warning and encouraging them, accepting their repentance, and delaying their punishment.

It has been reached that dividing the verses and highlighting some parts of them and neglecting the other parts is the basis of these doubts. What is learned from the Quranic verses and hadiths is that God Himself has made it obligatory upon Himself to have mercy in the matter of creation, and His mercy precedes His wrath, and if He sometimes talks about the punishment of criminals and oppressors, it is based on the requirement of justice and the consequences of their own wrong choices and actions.

KEYWORDS: The Holy Qur'an, Criticism of Doubts, God's Mercy and Kindness, Atheists, Virtual Space.

* Received: 2024 Jan ۱۳, Accepted: 2024 Mar ۱۷.

¹ Razavi University of Islamic Sciences Associate Professor of | h.kharaghani@gmail.com

² Razavi University of Islamic Sciences Associate Professor of | irvani-javad@yahoo.com

³ Razavi University of Islamic Sciences | m.daneshmezerji@gmail.com



مهربانی خداوند در قرآن کریم با رویکرد پاسخ به شبهات آتئیست‌ها در فضای مجازی*

حسن خرقانی^۱

جواد ایروانی^۲

محمد دانش مزرجی^۳

چکیده

رحمت و مهربانی از صفات افعالی پروردگار متعال است، که نفی آن از یزدان پاک، به‌مثابه قاتل شدن به نقص، و نیستی در ساحت وجود اوست. از سویی باور ما بر اساس آیات وحی بر این است که اصل و اساس آفرینش بر رأفت و مهربانی خداوند بنا شده است و آیات فراوانی از قرآن کریم جلوه‌های متعددی از مهربانی او را یادآور می‌شود؛ از جمله تکریم و احترام بندگان، تفضل بر بندگان، عیب‌پوشی، روش موعظه، تبشیر و امیدواری دادن، انذار، توبه‌پذیری و تأخیر در کیفر بندگان، این حقیقت را اثبات می‌کند. این در حالی است که بسیاری از خداناباوران، در آثار و نگاه‌های خود مخصوصاً در فضای مجازی با درج شبهاتی خاص، با حقیقت مهربانی و رحمت خداوند مخالف بوده و با انتشار انگاره‌های خود در شبکه‌های اجتماعی، سعی در ارائه تصویری خشن و دهشتناک از خداوند باورمندان دارند. نوشتار حاضر که به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی تحلیلی سامان یافته است؛ ضمن بیان جلوه‌های مهربانی خداوند در قرآن کریم؛ همانند: تکریم بندگان، تفضل، عیب‌پوشی، توبه‌پذیری، موعظه، تبشیر و انذار، به شبهات آتئیست‌ها در فضای مجازی در این موضوع پاسخ می‌دهد. تقطیع آیات و برجسته‌سازی قسمتی آنها بدون توجه به قسمت‌ها و آیات دیگر زمینه‌ساز چنین شبهاتی است. آنچه از ظاهر آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود، این است که خداوند پیوسته در امر آفرینش رحمت را بر خود فرض کرده و مهربانی او بر غضبش پیشی دارد و اگر درجایی سخن از عذاب مجرمان و خطاپیشه‌گان است، مقتضای عدالت و پیامد انتخاب و کردار خودشان است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، نقد شبهات، مهربانی خداوند، آتئیست‌ها، فضای مجازی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسؤول) | h.kharaghani@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی | irvani-javad@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی | m.daneshmezerji@gmail.com

۱. مقدمه

بر اساس آیات قرآن یکی از مهم‌ترین رسالت پیام‌آوران الهی اعلام مهربانی خداوند بر بندگان است (حجر/۴۹). رحمت خداوند گسترده و هر بنده‌ای را شامل می‌شود، حتی خطا پیشگان و آن‌ها که در طریق عصیان، اسراف ورزیده‌اند، از رحمت بی‌پایانش بی‌نسیب نیستند؛ اما از سویی امروزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی سرشار از شبهاتی است که توسط معاندان در حال انتشار است و یکی از گروه‌هایی که به‌طور فعال در فضای مجازی مشغول مبارزه با باورمندی و مخصوصاً اسلام‌ستیزی هستند، آتئیست‌ها یا خداناباورانند، تلاش آن‌ها بر آن است تا از خدای اسلام و قرآن چهره‌ای تاریک و وحشتناک به مخاطبان معرفی کنند، آن‌ها با نگاه یک‌سویه به آیات قرآن و بدون در نظر گرفتن سیاق آیات و تقطیع بیانات سخنوران دینی و گزینش سخنان رهبران فکری خداناباوران، از ابزارهای متعددی استفاده، مخاطب را با خود همراه کرده و درصدد ارائه تصویری خشن و بی‌اساس جلوه دادن باورمندی به مخاطبان هستند؛ اما باور ما بر این است، همچنان که قرآن کریم در طول تاریخ پاسخگوی شبهات فراوان خداناباوران بوده، امروز و در عصر پیشرفت ارتباطات، مخصوصاً فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیز می‌تواند به شبهات آتئیست‌ها و معاندان پاسخگو باشد. نوشتار حاضر بر آن است تا با تبیین مهربانی خداوند در قرآن کریم و جلوه‌های آن مثل تکریم و احترام بندگان، تفضل بر بندگان، توبه‌پذیری، موعظه، تأخیر در کیفر بندگان و... به شبهات آتئیست‌ها در فضای مجازی پاسخ دهد.

۲. پیشینه موضوع

ناگفته پیداست که هیچ عصری از تاریخ بشر وجود نداشته که دین و خدا باوری و دین‌ستیزی و خدا ناباوری با هم روبرو نباشند، به همین خاطر آثار بسیاری با نگاه کلی و بعضاً تطبیقی در قالب کتاب و مقاله در نقد باور آتئیست‌ها سامان داده شده است از جمله:

- کتاب «نوآتئیسم» اثر آلایستر مک‌گراث (Alister McGrath) که در قالب رویکردی انتقاد گونه باورهای آتئیست‌ها را پیرامون خداوند و باورمندی به چالش می‌کشد. این کتاب توسط شهاب غدیری ترجمه شده است (۱۳۹۶ش).

- کتاب «خداباوری و دانشمندان معاصر غربی: چالش‌ها و تبیین‌ها» اثر مهدی گلشنی

(۱۳۹۶ش). این اثر تأکید بر این مطلب دارد که در خود غرب نیز برخی فیلسوفان و عالمان خدا باور برجسته وجود داشته که همیشه با شبهات و بدآموزی‌های خدا ناباوران به مقابله پرداخته و سست‌بنیان بودن باور آن‌ها را نشان داده‌اند.

کتاب «بی‌پروایی در قلمرو فیزیک و فلسفه» اثر مهدی چهل تنی (۱۳۹۸ش). این کتاب در نقد اندیشه «استیون هاو کینگ» (Stephen Hawking) نسبت به کتاب طرح بزرگ، نگاشته شده است.

کتاب «نقد شبهات پیرامون قرآن کریم» اثر آیت‌الله محمد هادی معرفت (۱۳۸۵ش). از کتاب مذکور مبحث «لغو تدریجی برده‌داری» با موضوع نوشتار حاضر تناسب دارد و به زیبایی به نقد انگاره حمایت اسلام از برده‌داری پرداخته است.

«شبهه پژوهی قرآنی» اثر جواد ایروانی (۱۳۹۹ش). در این اثر مطالبی با محورهای بررسی قرآنی عدم اجبار در دین، دسته‌بندی آیات جهاد و رد خشونت، تبیین قرآنی و فقهی ارتداد در اسلام سامان داده شده است.

آنچه نوشتار حاضر را از نگاشته‌های پیشین متمایز می‌کند آن است که به‌طور خاص به نقد موضوع نامهربانی خداوند و خشونت در اسلام پرداخته است و این موضوع را در قالب ابعاد مهربان بودن خداوند و روش‌های اثبات آن از منظر قرآن کریم، مخصوصاً با محوریت شبهات فضای مجازی تبیین می‌کند.

۳. مفهوم‌شناسی

در این قسمت از نوشتار حاضر به واکاوی برخی از واژگان از جمله، شبهه، آتیست، فضای مجازی و مهربانی پرداخته می‌شود:

۱-۳. شبهه

ابن فارس می‌نویسد: کلمه «شبه» بر مشابه بودن دو چیز و هم‌شکل بودن دو چیز از نظر رنگ و صفت دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۲۹۹ق: ۴۷۷). راغب قائل است شبهه به معنای «مشابهت» است و اشتباه بر چیزی اطلاق می‌شود که حق و باطل آن معلوم نباشد (راغب، ۱۳۷۴: ج ۲: ۲۹۹). می‌توان گفت شبهه درجایی به کار می‌رود که عدم تشخیص نسبت به حق

و باطل صورت گیرد و سبب اصلی این موضوع در ارائه و طرح باطل است؛ یعنی باطل به نحوی ارائه می‌شود که شبیه حق و حقیقت جلوه می‌کند. کلام مولا علی (ع) که می‌فرماید: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَاتُ شُبُهَاتٍ لِأَنَّهَا تَشْبُهُ الْحَقَّ»؛ شبهه به این دلیل شبهه نامیده شده است که شبیه حق است (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۸۱، خطبه ۳۸)، گویای این مطلب است. با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان این تعریف را برای شبهه بیان کر شبهه وارد کردن، یعنی بیان و ارائه دلایل نادرست و توجیهاات اشتباه به منظور حق جلوه دادن باطل.

۲-۳. آتئیست

«آتئیسم» به‌طور معمول، به طرز تفکری اشاره می‌کند که وجود خداوند تعالی را انکار می‌کند و «آتئیست» کسی است که باور و اعتقادی به وجود خدا ندارد. واژه «آتئیسم» (atheism)، به معنای «خدا ناباوری» است و «آتئیست» یعنی «ملحد» که واژه مقابل آن «تئیسم» (theism) یا همان «باور به خداست» (Felw, 1996:26؛ هیک، ۱۳۹۰ش: ۲۳).

۳-۳. فضای مجازی

برای فضای مجازی تعاریف متعددی از سوی نویسندگان گوناگون بیان شده است. «فضای مجازی یا سایبر در اصل از دو واژه سایبرنتیک (Cybernetics) و اسپیس (Space) گرفته شده است. این واژه، از کلمه یونانی «کوبرنتس» به معنی «سکان‌دار» اقتباس شده است و به معنای علمی است که به انسان یا ماشین خودکار، امکان حکومت کردن و فرمان دادن می‌دهد» (جهانگیر، ۱۳۹۱ش: ۶۵). وینر (Norbert Wiener) بنیان‌گذار علم سایبر در تعریفی از فضای مجازی ارتباط و کنترل را با هم لحاظ کرده است (وینر، ۱۳۷۲ش: ج ۲: ۱). «کیزا» (Kizza, J. M) فضای مجازی را محیطی برساخته از اطلاعات نامرئی - اطلاعاتی که می‌تواند اشکال متفاوتی به خود بگیرد - تعریف می‌کند (Kizza, 1998:131). مقصود ما از فضای مجازی، فضای ارتباطی و اطلاع‌رسانی از طریق فناوری دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی است. نوربرت وینر

۴-۳. مهربانی و رحمت

مهربانی و رحمت واژه‌ای آشنا برای تمام افراد بشر است؛ زیرا که با فطرت انسان همراه

است. مهربانی حالتی است که در لحظه و به‌طور آنی برای انسان در قلب ایجاد شده و اثر آن در عمل انسان نمایان می‌شود. راغب می‌گوید رحمت رقتی است که مقتضی لطف و احسان نسبت به شخص مرحوم است به‌طوری که گاهی فقط در مهربانی و گاهی فقط در احسان به کار می‌رود و چون خدا با رحم و وصف شود مراد از آن فقط احسان است نه رقت قلب به همین خاطر است که روایت شده رحمت از خدا انعام و تفضل و از آدمیان رقت قلب و عاطفه است (راغب، ۱۳۷۴ ش، ج ۱: ۳۴۷).

۴. مهربانی خداوند

قرآن کریم و روایات رسیده از پیشوایان دین خداوند را با اوصافی بسیار زیبا به بندگان معرفی می‌کند اوصافی که هر کدام جلوه‌ای از جمال و جلال خداوند را به نمایش می‌گذارد. صفت امیدبخش «رحمت و مهربانی» یکی از این اوصاف است که تقریباً در بیش از ۵۰۰ آیه از آن سخن به میان آمده است. در این قسمت به تبیین مهربانی خداوند با بندگان، از منظر قرآن و روایات پرداخته می‌شود:

۱-۴. اصل مهربانی خداوند با بندگان در قرآن

صفت رحمت و مهربانی یکی از اوصاف زیبای خداوند در قرآن است به‌طوری که واژه «الرَّحْمَن» در سراسر قرآن کریم ۱۵۷ مرتبه، «الرَّحِيم»، «رَحِيم» و «رَحِيمًا» جمعاً ۱۶۶ مرتبه تکرار شده‌اند. در غالب مواردی که در قرآن کریم این کلمات آمده، به‌عنوان صفت الهی است، مگر در یک مورد (توبه/۱۲۸) که کلمه «رحیم» در وصف پیامبر اکرم (ص) آمده است. خداوند متعال به‌عنوان سرچشمه وجودی همه عالم که بدون او هیچ‌چیز وجود نمی‌یابد، دارای کامل‌ترین صفات خوبی‌هاست. رحمت و مهربانی خداوند نیز به‌عنوان یک صفت پسندیده بی‌نهایت است؛ بنابراین اصل و اساس آفرینش او بر رحمت است.

در قرآن کریم ۱۱۴ سوره وجود دارد که در ابتدای ۱۱۳ سوره از این کتاب آسمانی عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وجود دارد که به معنای «به نام خدایی که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی است» (انصاریان، ۱۳۹۳ ش: ۱). همچنین عبارت «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» یعنی «مهربان‌ترین مهربانان» ۴ مرتبه آمده است (یوسف/۶۴ و ۹۲، انبیاء/۸۳، اعراف/۱۵۱) و

در سوره مؤمنون دو مرتبه تعبیر «خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» یعنی «بهترین مهربانان» (مؤمنون/۱۰۹ و ۱۱۸) را مشاهده می‌کنیم. خداوند در قرآن دوستی و مهربانی خویش را به صراحت نسبت به مجاهدان، نیکوکاران، بسیار توبه‌کنندگان، پرهیزگاران، عدالت‌پیشگان، صابران، پاکان و مطهران و توکل‌پیشه‌گان و اعتمادکنندگان به پروردگار، اعلام می‌دارد (صف/۴؛ بقره/۱۹۵، ۲۲۲؛ آل‌عمران/۷۶، ۱۴۶، ۱۵۹، مائده/۴۲؛ توبه/۱۰۸).

علامه طباطبایی (ره) در رابطه اینکه خداوند مخلوقات خود را دوست دارد، می‌گوید: «هر چیزی ذات خود را دوست می‌دارد؛ هر محبی همه متعلقات محبوب خود را نیز دوست می‌دارد، در نتیجه هر چیزی آثار وجودی‌اش را نیز دوست می‌دارد؛ از اینجا معلوم می‌شود که خدای سبحان، بدین جهت که خود را دوست می‌دارد، خلق خود را نیز دوست دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۴۱۱).

خداوند از روی محبتی که به بندگانش دارد، بسیاری از نعمت‌ها را که به آن‌ها ارزانی داشته، «رحمت» نامیده است؛ مانند: باران (فرقان/۴۸)؛ رزق و روزی (اسراء/۲۸)؛ قرآن (یونس/۵۷)؛ بهشت (آل‌عمران/۱۰۷) و پیامبر (ص) (انبیاء/۱۰۷). این آیات گوشه‌ای از دریای بی‌کران مهربانی خداوند را تبیین می‌کنند.

۲-۴. اصل مهربانی خداوند با بندگانش در روایات

ترسیم رحمت و مهربانی خداوند با بندگانش در روایات بسی گسترده است که در اینجا به چند مورد پرداخته می‌شود:

۱. در حدیث قدسی از پیشگاه خداوند مهربان خطاب به بندگانش چنین ندا آمده است ای بنده‌ام، من همه اشیاء را به خاطر تو خلق کردم و تو را هم برای خودم آفریدم و من دنیا را با احسان خود به تو بخشیدم و آخرت را هم به وسیله ایمان به تو دادم (حر عاملی، ۱۳۸۰: ۷۱۰).
۲. خداوند به داوود نبی (ع) می‌فرماید اگر آنان که از من روی گردان شده‌اند، می‌دانستند که چگونه در انتظارشان هستم و چه مهری نسبت به آنان دارم و چه قدر مشتاقم که معصیتشان را ترک کنند، از اشتیاق من می‌مردند و در راه محبتم، بند از بندشان جدا می‌شد (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ۶۲).

۳. امام صادق می‌فرماید: «هنگامی که روز قیامت می‌شود خداوند آن‌چنان رحمتش را می‌گستراند که حتی ابلیس در رحمت او طمع می‌کند» (صدوق، ۱۳۷۶ ش: ۲۰۵).

۴. در نقل دیگری هست که به امام سجاد (ع) عرض کردند حسن بصری می‌گوید: عجب نیست که گروهی گمراه و هلاک می‌شوند، عجب از آن‌ها است که نجات می‌یابند که چگونه (با این همه عوامل گمراهی) نجات یافته‌اند؟! امام سجاد (ع) فرمود: «ولی من سخن دیگری می‌گویم: «تعجب نیست از کسانی که نجات می‌یابند که چگونه نجات یافته‌اند، تعجب از کسانی است که هلاک (و گمراه) می‌شوند که چگونه با وسعت رحمت خداوند هلاک شده‌اند؟!» (علم الهدی، ۱۹۹۸ م، ج ۱: ۱۶۲).

۵. جلوه‌هایی از مهربانی خداوند در قرآن

یکی از بهتان‌های آشکار خداناباوران این است که قائل‌اند اسلام دین خشونت است، خداوند قرآن، خداوند جنگ و خونریزی است، پیوسته مسلمانان را به پیکار فرامی‌خواند، به همین مناسبت در این قسمت از نوشتار به هشت روشی که از منظر قرآن کریم ارتباط مستقیم با رحمت و مهربانی خداوند دارد پرداخته می‌شود.

۱-۵. تکریم و احترام تمام بندگان

تکریم و احترام بندگان یکی از اموری است که ثابت می‌کند خداوند با بندگان خود مهربان است، نسبت به آن‌ها رأفت و شفقت دارد و بر آن‌ها در هیچ عرصه‌ای ظلم نمی‌کند و اندیشمندان معتقدند در مسیر تربیت انسان‌ها این شیوه جایگاه ویژه‌ای دارد به طوری که برخی قائل‌اند یکی از روش‌های صحیح و کارآمد در تربیت و هدایت انسان، «روش احترام و تکریم شخصیت» است. این شیوه در حقیقت پشتوانه سلامت روان بشر و از مهم‌ترین عوامل رشد شخصیت اوست (نساجی، ۱۳۸۴ ش: ۲۸۹). منظور از تکریم، اعطای خصوصیتی به انسان است که در سایر موجودات و پدیده‌ها نیست (همان).

قرآن کریم نیز می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَابْحَرْنَا مِنْ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰)؛ یعنی آنان را به نطق، عقل، قدرت تشخیص، چهره زیبا، قامت استوار، تدبیر امر معاش و معاد، چیرگی آنان بر هر آنچه در زمین

است و به اختیار گرفتن دیگر حیوانات، تکریم کردیم (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶: ۶۶۱-۶۶۲). علامه طباطبایی معتقدند «مقصود از آیه، بیان حال همه انسان‌ها با قطع نظر از کرامت الهی و قرب و فضیلت روحی خاص برای پاره‌ای از افراد است. پس این کلام شامل مشرکان، کافران، فاسقان هم می‌شود و گرنه مفهوم امتنان و عتاب تحقق پیدا نمی‌کند» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۳: ۱۵۵).

آیات قرآن کریم حاکی از آن است که خداوند متعال تمام بندگان را به شیوه‌های مختلفی مثل تسخیر خورشید و ماه، شب و روز، کشتی‌های دریا و گستراندن نعمت‌های ظاهری و باطنی برای آن‌ها مورد تکریم قرار داده است. واضح است که این تکریم نشانه لطف و مهربانی خداوند بر بندگان است و از رحمت او سرچشمه می‌گیرد.

۲-۵. تفضل بر بندگان

«فضل» از جمله صفاتی است که در قرآن کریم به خداوند نسبت داده شده و اموری به عنوان «فضل» خداوند بر بندگان شمرده شده است؛ چنان که می‌فرماید، آثار فضل پروردگار در زندگی تمام انسان‌ها (اعم از باورمندان و ناباوران به قرینه کلمه النَّاس) جاری است؛ اما انسان‌ها شکرگزار نیستند (بقره/۲۴۳). راغب معتقد است هر عطیه‌ای که بر معطی لازم نیست را فضل گویند؛ زیرا که عطائی که خدا بر بندگان دارد، بر او لازم نیست، بلکه از روی لطف و کرم انجام می‌دهد (راغب، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۶۳۹)؛ بنابراین یکی از روش‌هایی که ارتباط مستقیم با رأفت و مهربانی خداوند با بندگان دارد، «روش تفضّل» است و سرچشمه حقیقی تفضل خداوند از رحمت و مهربانی او نشئت می‌گیرد. به همین مناسبت قرآن عزیز می‌فرماید: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» (نساء/۷۳). اما آن‌ها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پاداششان را به‌طور کامل خواهد داد و از فضل و بخشش خود، بر آن‌ها خواهد افزود. شیخ طوسی (ره) ذیل این آیه می‌گوید: «آن‌ها را بیشتر از آنچه وعده کرده است، از فضل و کرم خود، پاداش می‌دهد، پاداشی که آن‌ها به اندازه آن پی نمی‌برند؛ زیرا وعده داده است که هر کار نیکی را ده‌ها و صدها برابر پاداش خواهد داد. بدیهی است که این زیادت‌ها ناشی از تفضل خداوند است» (طوسی، بی تا، ج ۳: ۴۰۵).

۳-۵. عیب‌پوشی

یکی از توصیه‌های اخلاقی دین اسلام بر باورمندان، عیب‌پوشی بندگان خداست و یکی از صفات خداوند، «ستار العیوب» بودن است. واژه «ستار» در قرآن کریم استفاده نشده است؛ ولی مشابه معنای آن کلمه «غفار» بسیار آمرزنده یا بسیار پوشاننده» به کار رفته است. «غفر» یعنی پوشاندن چیزی بر کسی تا او را از آلوده شدن محفوظ دارد و غفران خداوند به این است که بنده را از رسیدن عذاب به او نگهداری کند؛ غافر به معنای پوشاننده و غفار به معنای بسیار پوشاننده است (راغب، ۱۳۷۴ق، ج ۱: ۶۰۹)؛ بنابراین یکی از روش‌هایی که حاکی از مهربانی خداوند بر بندگان است، روش عیب‌پوشی است و یکی از اسما زیبای خداوند که جلوه‌ای از رأفت و مهربانی اوست «غافر، غفار و غفور» است. امام علی (ع) درباره این سنت ارزشمند خداوند می‌فرماید: «الْحَدُّزُ الْحُدُّزُ فَوَ اللَّهُ لَقَدْ سَتَرَ حَتَّى كَانَهُ عَفْرًا» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۴۷۲، حکمت ۳۰)؛ بر حذر باشید، بر حذر باشید! از عیب‌ها و گناهان به خدا قسم، خداوند عیب‌ها را پوشانیده آن چنان که گویی بخشیده است.

عیب‌پوشی، نشانه مهربانی خداوند و رحمت اوست، چون در هفت مورد از آیاتی که کلمه «غفور» بسیار آمرزنده» آمده است به دنبال آن کلمه «رحیم» هم آمده است: «إِنَّهُ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ» (انعام/۱۲۵). این آیات نشان‌گر این است که لطف خداوند، شامل بزرگ‌ترین گناه و گناهکاران نیز می‌شود.

۴-۵. موعظه (پند و نصیحت)

همچنان که پدر و مادر نسبت به فرزند خود حس عشق و محبت دارند و نسبت به او مهربان هستند، قطعاً در جای خود او را پند و نصیحت هم می‌کنند، خداوند نیز از روی عشق و محبت خود به تمام بندگان در جای‌جای قرآن کریم آن‌ها را موعظه می‌کند تا در مسیر صحیح گام بردارند؛ به همین خاطر یکی از روش‌هایی که ارتباط مستقیم با رحمت و مهربانی خداوند دارد، «روش موعظه و نصیحت بندگان» است (باقری نیا، ۱۳۹۳ش: ۵۸). راغب می‌گوید «وعظ»، «تذکر دادن به خیر و چیزهایی که دل بر آن‌ها نرم می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۸۷۶).

خداوند برای اینکه بندگانش به عقوبت و کیفر اعمال خودشان گرفتار نشوند از هر عرصه‌ای برای نصیحت آن‌ها استفاده می‌کند. به همین خاطر امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند

هیچ کس را به مانند قرآن موعظه نکرده است» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۲۵۴). آن حضرت این روش را وسیله زنده کردن قلب می‌داند و در نامه خود به امام حسن (ع) می‌فرماید: «أَخِي قَلْبِك بِالْمَوْعِظَةِ»؛ دلت را با موعظه زنده ساز (همان: ۳۹۲).

۵-۵. تبشیر و امیدبخشی

تربیت صحیح انسان و رساندن او به کمال، مستلزم تن دادن انسان به تکالیف است و این امر فی‌نفسه و به تنهایی، زایل کننده میل و رغبت است. حال این تلخی را باید به طریقی کاهش داد تا قبول تکالیف با میل و رغبت خاصی، میسر شود؛ بنابراین یکی از روش‌هایی که برای این منظور مؤثر است، «روش تبشیر» است. راز حقیقی مسئله در این است که روح و جان انسان وقتی خوشحال می‌شود، خون مانند آب روانی که در درون درخت جاری می‌شود، در آن جریان می‌یابد، لذا به خبر خوشحال کننده و نشاط آور «بشارت» می‌گویند. «تبشیر» در لغت به معنای «شادمان کردن و خبر صادق و فرح‌بخش دادن به دیگران است» (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۲۰). «ابشرت الرجل و بشرته» یعنی خبر خوشحال کننده دادم و صورتش بشاش و منبسط شد (راغب، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۱۲۵)؛ بنابراین یکی از روش‌هایی که ناظر بر شفقت و مهربانی خداوند با بندگانش است، «روش تبشیر و امیدواری دادن» است. پیام‌آوران الهی در مقام یک مربی، از این روش بسیار استفاده کرده‌اند چنانکه همه آنان در قرآن کریم به عنوان «مبشر» نامیده شده‌اند (بقره/۲۱۳)؛ زیرا که تلاش و کوشش اصلی آنان همواره بر آن بوده است تا امید برخاسته از بشارت را در مخاطبین خود زنده کنند. قرآن کریم با استفاده از این روش، خداوند را مبشر اصلی معرفی نموده و پیامبران را حامل پیام بشارت از سوی خدا و مبشر دانسته و خود را کتاب «بشری» نامید و می‌فرماید: «يَبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ» (توبه/۲۱)؛ پروردگارشان به آن‌ها بشارت می‌دهد، به رحمتی از ناحیه خود و خوشنودی خویش و باغ‌های بهشتی که در آن نعمت‌های پایدار دارند. به بیانی دیگر تبشیر و تشویق، علی‌رغم آن‌که ظاهراً با هم مشتبه می‌شوند، متفاوت‌اند. تبشیر پیش از عمل یا همراه عمل و تشویق پس از عمل ظهور می‌کند؛ از این رو تبشیر، ناظر به آینده و تشویق متوجه گذشته است (موسوی، ۱۳۷۹ش: ۶۷).

۶-۵. انذار و بیم‌دهی

انذار مصدر باب افعال بوده و به معنای آگاه کردن دیگران از امری که در حقیقت آن ارباب وجود دارد: «إخباؤ فیہ تخویفٌ» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱: ۷۹۷). انذار، برحذر داشتن از امر ترسناکی که زمان و فرصت کافی برای پرهیز از آن باشد (طوسی، بی تا، ج ۱: ۶۲). تأکید و تکیه قرآن کریم بر روش انذار (باینکه پیامبران الهی نقش مبشر را هم دارا هستند) به خاطر این است که آگاهی‌های نخستین هر نهضتی باید از اعلام خطر شروع شود؛ زیرا که تأثیر بیشتری از بشارت در بیداری انسان‌های خفته دارد. با بررسی آیات قرآن به این نتیجه می‌رسیم که یکی از روش‌های تربیتی حضرت نوح (ع) نیز «انذار» بوده است: «إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (نوح/۱) همچنین آیه «إِنَّا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (شعراء/۱۱۵). می‌توان گفت انذار یعنی آگاه کردن کسی نسبت به موضوعی که در آینده قرار است اتفاق بیفتد و مایه ناراحتی انسان باشد، اما آنچه در مفهوم انذار نهفته است این است که در آن نوعی مهربانی وجود دارد؛ زیرا مری، انسان را به خاطر خطاهایش مواخذه می‌کند؛ اما انذار او پیش از مواخذه نشانه مهربانی و رأفت اوست. خداوند انسان را به سبب اعمال ناشایست، دچار عقاب می‌سازد، اما مقتضای رحمت و مهربانی او چنین است که پیش از مجازات، آگاهی کافی نسبت به آن را برای بندگان ایجاد نماید.

۷-۵. توبه پذیری

آمرزش و رحمت، چشم‌پوشی از خطا و توبه‌پذیری از شئون ربوبیت پروردگار جهان و لازمه‌ی تربیت انسان است. یکی از زیباترین روش‌هایی که قرآن کریم بر آن تأکید ویژه دارد و آن را نشانه رأفت، شفقت و مهربانی خداوند با بندگان خطاکار معرفی می‌کند، «بسیار توبه‌پذیری خداوند» است. آیات فراوانی از قرآن کریم به مسئله توبه‌پذیری خداوند اشاره دارد و همه این‌ها نشان از رحمانیت خداوند با خطاکاران است و جالب‌تر اینکه بر طبق روایات رسیده (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۴۹۱)، امیدبخش‌ترین آیه قرآن کریم به توبه‌پذیری خداوند از بندگان خطاکار اشاره دارد: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر/۵۲).

واژه «توآب» در قرآن کریم یازده مرتبه به کار رفته است که در نه مرتبه همراه با کلمه

«رحیم» یعنی «مهربان»، استعمال شده است که همین نشان از رأفت و مهربانی خداوند با بندگان خطاکار است: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (نساء/۱۶).

۸-۵. تأخیر در کفر

از آنجا که اصل در تشویق، سرعت در تشویق و اصل در تنبیه، تأخیر در تنبیه است (جعفری، ۱۳۸۴ش: ۱۶) قطعاً روش تأخیر در تنبیه زمینه را برای اصلاح مرتبی از سوی مربی فراهم می‌آورد، خداوند متعال هم به‌عنوان آفریننده انسان و از این رهگذر که رحمت را بر خود فرض کرده است (انعام/۵۴) و رحمت او بر غضبش پیشی دارد (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۱۰۶) و در کفر گناهایی که بندگان مرتکب شده‌اند، تعجیل نمی‌کند و در دنیا عذاب آن‌ها را به تأخیر می‌اندازد تا زمینه رجوع و بازگشت بنده را به مسیر صحیح فراهم آورده باشد.

«تأخیر در کفر» روشی است که خداوند در قرآن کریم بر آن تأکید دارد، چون با وجود این روش است که بنده در کار خود تأمل می‌کند و خود را از بند گناهان و معاصی رها می‌کند. قرآن کریم یکی از علت‌های اصلی تأخیر در عذاب را لطف و محبت خداوند بر بندگان می‌داند و می‌فرماید: «وَرَبُّكَ الْعَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبْتُمْ لَعَجَلَ لَهُمُ الْعَذَابَ» (کهف/۵۸)؛ و پروردگارت، بسیار آمرزنده و صاحب رحمت است؛ اگر می‌خواست آنان را به خاطر اعمالشان مجازات کند، عذاب را هر چه زودتر برای آن‌ها می‌فرستاد.

۶. شبهات درباره مهربانی خداوند

از آنجا که شماری از شبهات آتیست‌ها در فضای مجازی پیرامون عدم مهربان بودن خداوند با بندگان و خشونت در اسلام است در اینجا با توجه به مطالبی که در قسمت تبیین اصل مهربان بودن خداوند و روش‌های اثبات آن گزارش شد، به شبهات این گروه از ملحدان پاسخ داده می‌شود.

۱-۶. چرا خداوند در سوره توبه (آیه ۵) امر به کشتن همه کفار کرده است؟

آیه مورد استشهاد آتیست‌ها «فَإِذَا أَسْلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوا حُذُوهُمْ وَاصْطَبُوا حُذُوهُمْ وَاقْتُلُوا لَكُمْ مَرْصِدًا» است (توبه/۵)؛ پس چون ماه‌های حرام سپری شد،

مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره در آورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید. برای پاسخ به این شبهه ذکر چهار نکته ضروری است: نکته اول: بر هر مخاطب آگاهی لازم است برای به دست آوردن نظر دین در یک مسئله اکتفای به یک آیه و یا یک روایت نکند؛ زیرا این شیوه خداناباوران است که برای خراب کردن چهره دین و خداوند، در فضای مجازی به گزینش موردی و تقطیع آیات می‌پردازند.

اشاره‌ای اجمالی به آیات ابتدایی سوره توبه: در مسیر دعوت اسلام گروه‌های متعددی وجود داشتند که پیامبر اسلام (ص) با هر یک از آنها طبق موضع‌گیری‌های مخصوص به خودشان رفتار می‌کرد؛ گروهی از آنها با پیامبر (ص) هیچ‌گونه عهد و پیمانی نداشتند، بنابراین پیامبر (ص) در مقابل آنها هیچ‌گونه تعهدی نداشت. گروه‌های دیگری نیز وجود داشتند که به‌عنوان نمونه در «صلح حدیبیه» و مانند آن پیمان ترک محاصره با پیامبر (ص) بسته بودند؛ این پیمان‌ها بعضی دارای مدت معین بود و بعضی مدتی نداشت. «در این میان بعضی از طوایفی که با پیامبر (ص) پیمان بسته بودند، یک‌جانبه و بدون هیچ مجوزی پیمانشان را به خاطر همکاری آشکار با دشمنان اسلام شکستند، همانند یهود «بنی نضیر» و «بنی قریظه»، پیامبر (ص) همه را از مدینه طرد کرد؛ ولی قسمتی از پیمان‌ها هنوز به قوت خود باقی بود، اعم از پیمان‌های مدت‌دار و بدون مدت» (مکارم، ۱۳۷۱ ش، ج ۷: ۲۸۱).

آیه اول این سوره به تمام مشرکان اعلام می‌کند: هرگونه پیمانی با مسلمانان داشته‌اند، لغو خواهد شد و می‌فرماید: «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (توبه/۱) این اعلام برائت و بیزاری خداوند و پیامبرش شامل مشرکانی است که با آنها عهد بسته‌اید.

علامه طباطبایی (ره) در مورد سبب نزول آیات ابتدایی سوره توبه می‌گوید خداوند در قرآن بیان فرموده که هیچ اطمینانی به عهد و پیمان مشرکین نیست، چون اکثرشان فاسق گشته و مراعات حرمت عهد را نکرده و آن را شکستند، به همین جهت خداوند مقابله‌به‌مثل و لغو کردن عهد را برای مسلمین نیز تجویز کرده و فرموده: «وَأَمَّا خِفَافٌ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٌ فَأَنْبُدْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال/۵۸) و هرگاه از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند) به‌طور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائن را دوست نمی‌دارد. لیکن باینکه مشرکان عهدشکنی کرده‌اند؛ اما خداوند راضی نشد که

مسلمانان بدون اعلام، عهد آنان را بشکنند، بلکه دستور داده نقض خود را به ایشان اعلام کنند تا ایشان به خاطر بی‌اطلاعی از آن به دام نیفتند. آری، خدای تعالی با این دستور خود مسلمانان را حتی از این مقدار خیانت هم به مشرکان، منع فرمود (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۹: ۱۴۷).

بنابراین همان‌طور که در تبیین زوایای رحمت و مهربانی خداوند بیان شد، در اینجا نیز مقتضی این صفت این است که خداوند رحمان، نسبت به حال مشرکان بی‌تفاوت نباشد و به مقتضای همین رأفت است که در صدور دستورات، موقعیت و حال آن‌ها را در نظر می‌گیرد و باینکه مشرکان بدون اعلام به پیامبر (ص) و مسلمانان، عهدشکنی کرده‌اند، ولی به آن‌ها دستور می‌دهد شما ابتدا اعلام کنید پس از آن چهار ماه فرصت دهید سپس با این پیمان‌شکنان پیکار کنید. از سویی اگر خداوند می‌خواست عهدشکنی را حتی در صورتی که مجوزی از ناحیه کفار نباشد، تجویز کند، بایست میان کفار عهدشکن و کفار وفادار به پیمان تفاوتی قائل نباشد و حال آنکه در دو آیه بعد کفار وفادار به عهد را استثناء کرده و فرموده: «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يَظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا» (توبه/۴)؛ اما ممکن است سؤال شود پس علت این شدت عمل با مشرکان چیست؟ دو دلیل عمده دارد:

دلیل اول: شدت عمل با مشرکانی است که با پیامبر عهد بسته بودند؛ ولی به صورت یک‌طرفه پیمان را شکسته و خیانت کردند؛ چون در آیه دوم این حکم را قید زد و فرمود: مگر کسانی از مشرکان که با آن‌ها عهد بستید (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵: ۵).

دلیل دوم: یکی از اهداف اصلی ارسال پیامبران، مبارزه با شرک و سنت‌های بسیار اشتباهی مثل نسل‌کشی و قربانی کردن فرزندان در مقابل بت‌ها و افتخار بدان بود، بنابراین آیین بت‌پرستی نه یک مذهب بود و نه یک مکتب عاقلانه، بلکه یک روش خرافی و خطرناک بود، که بایست سرانجام از جامعه انسانی برچیده شود.

نکته سوم: قرآن کریم چهار نوع گزارش از رفتار ناپسند مشرکان با پیامبر (ص) و مسلمانان دارد و چهار دستور متفاوت را در مقابل این رفتارهای ناپسند به پیامبر (ص) و مسلمانان ابلاغ می‌کند:

الف) دستور به صبر در مقابل حرف‌های زشت و رکیک: «وَلَقَدْ نَعَلْنَاكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ... «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ» (حجر/۹۷؛ طه/۱۳۰).

ب) دستور به عفو و گذشت در مقابل آزار و اذیت آن‌ها: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف/۱۹۹).

ج) دستور به خودسازی در مقابل قتل و شکنجه‌های مشرکان: خداوند به پیامبر (ص) فرمود: «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ... أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (نساء/۷۷).

د) دستور به جهاد و ریختن خون آنان (قتال در مقابل قتال): «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا» (حج/۳۹).

نکته چهارم: خداوند متعال با روش‌های متعددی مثل موعظه («يا أيها الناس قد جاءكم من مَوْعِظَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ»، یونس/۵۷)؛ تبشیر، امیدواری و انذار («وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا»، اسراء/۱۰۵)؛ «أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ» وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مانده/۷۴)؛ تمام مشرکان را دعوت به هدایت کرد اما آن‌ها هیچ‌گاه حاضر نشدند در این پیام‌ها تدبر و تأمل کنند. به‌راستی آیا خداوند قرآن با چنین توصیفات می‌تواند نامهربان باشد؟

۲-۶. تشویق به کشتن

الله به مسلمانان می‌گوید: «بکشید و از کشتن لذت ببرید، در این آیات مؤمنان را به کشتن کفار تشویق می‌کند؛ نه این خدا نیست، این خوی وحشیگری محیط عربستان ۱۴۰۰ سال پیش است.^۱

پاسخ و نقد شبهه: آیه‌ای که آتئیست بدان استناد می‌کند: «قَاتِلُوهُمْ يَعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخِزُّهُمْ وَيُضْرِبُكُمْ عَلَيْهِمْ وَيُشْفِ صُلُوبَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ» (توبه/۱۴)؛ با آن کافران به قتال و کارزار برخیزید تا خدا آنان را به دست شما عذاب کند و خوار گرداند و شما را بر آن‌ها منصور و غالب نماید و دل‌های (پردرد و غم) گروهی اهل ایمان را (به فتح و ظفر بر کافران) شفا بخشد.

برای پاسخ به این شبهه توجه به چند نکته لازم است؛ ولی در ابتدا باید گفت؛ این شگرد اصلی آتئیست‌هاست که با گزینش یک آیه از وسط قرآن و بدون توجه به قبل و بعد آیه، آن را برای مخاطبان خود، در قالب‌های متفاوتی به تصویر می‌کشند و تصویری دهشتناک از قرآن برای مخاطبان فضای مجازی به نمایش می‌گذارند؛ اما آیا قرآن همین آیه

^۱ <https://www.instagram.com/p/CXhR9bOs0uK>.

است؟ آیا پیام قرآن در رابطه با تعامل با کفار و مشرکان زمان پیامبر (ص) چنین است؟ فضای حاکم بر رابطه مسلمانان و مشرکان چگونه بود؟ این‌ها سؤالاتی است که باید بررسی کرد و سپس نتیجه‌گیری نمود که در دین اسلام و قرآن کریم خشونت هست یا خیر.

نکته اول: توجه به سیاق آیات سوره توبه. آنچه از سیاق آیات ابتدایی این سوره پیداست، این است که آیه در ادامه آیات قبل قرار دارد. به طوری که شانزده آیه ابتدایی این سوره در یک سیاق قرار داده شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۹: ۱۴۴)؛ بنابراین نمی‌توان مفهوم و پیام اولیه این آیه را بدون توجه به آیات قبل از آن و به تنهایی عنوان کرد. به بیانی دیگر آیات قبل در مورد رفتار کسانی است که اهل پیمان‌شکنی نسبت به رسول خدا (ص) و مسلمانان هستند و از هیچ شکنجه و آزار و اذیتی علیه آنان فروگذار نمی‌کنند، بنابراین، دستور پیکار قرآن با مشرکان، برای دفاع از حقوق آن‌ها صادر می‌شود نه برای جهاد ابتدایی.

برای روشن شدن علت دستور به پیکار، توجه به آیه قبل از این آیه‌ی مورد استشهاد آتئیست لازم است: «أَلَا تَتَذَكَّرُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ يَدْعُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ، آیا با گروهی که پیمان‌های خود را شکستند و تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند، پیکار نمی‌کنید؟! درحالی که آن‌ها نخستین بار (پیکار با شما را) آغاز کردند. در این آیه به سه رفتار ناپسند مشرکان با پیامبر (ص) اشاره می‌کند:

۱. عهدشکنی مشرکان و پایبند نبودن به پیمان‌ها توسط آن‌ها که فلسفه اصلی نزول این سوره است: «أَلَا تَتَذَكَّرُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ»، این در حالی است که قرآن کریم مکرراً به مسلمانان دستور می‌دهد بر عهد و پیمان خود حتی با مشرکان وفادار باشند: «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء/۳۴)؛ به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود. این دستوری است که هم آیات ابتدایی این سوره و هم گزارش‌های تاریخی و گفتار مفسرین بدان شهادت می‌دهد (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲: ۷۴)؛ بنابراین دستور پیکار برای مشرکینی صادر شده است که بدون اعلام به پیامبر (ص) و مسلمانان عهد خود را زیر پا گذاشتند.

۲. آن‌ها تصمیم به اخراج پیامبر (ص) از زادگاهش کردند: «هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ».

۳. آن‌ها آغازگر پیکار و خونریزی بودند: «هُمْ يَدْعُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ».

بنابراین در چنین فضایی سوره توبه بر پیامبر (ص) نازل می‌شود و دستور پیکار با مشرکان عهدشکن و شکنجه‌گر را صادر می‌کند تا از حقوق خود در مقابل آن‌ها دفاع کنند. نکته دوم: باید دید منظور از «لذتی» که آتئیست در شبهه بدان اشاره دارد (و از کشتن مشرکین لذت ببرید) چیست؟ آتئیست این برداشت را از این قسمت آیه گرفته است: «وَيُشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ»؛ سینه گروهی از مؤمنان را شفا می‌بخشد. مفهوم واقعی این عبارت قرآنی چیست؟ آیا برداشتی که آتئیست از این عبارت دارد، با فضای نزول این آیه مطابقت دارد یا خیر؟ این اثر در مورد شکستن صلح حدیبیه توسط قریش و مشرکین مکه چنین می‌نویسد: «در صلح‌نامه‌ای که میان رسول خدا (ص) و قریش در روز حدیبیه منعقد شد، قبیله خزاعه با پیامبر (ص) هم‌پیمان شدند و قبیله بنو بکر با مشرکان تا آنکه قبیله بنی بکر شبی در یکی از آب‌های خزاعه بنام «وتیر» به مردم خزاعه حمله بردند و قریش که خیال می‌کردند در این شب تاریک پیامبر (ص) باخبر نمی‌شود، قبیله بنی بکر را کمک نظامی داده و به خاطر کینه‌ای که با آن حضرت داشتند بر مردم وتیر تاختند. عمرو بن سالم از خزاعه خود را به مدینه رساند و آن حضرت را مطلع کرد، پیامبر (ص) هم در پی این عهدشکنی و کشتار از قبیله خزاعه، حکم جهاد با پیمان‌شکنان از بنی بکر را صادر کرد» (ابن اثیر، ۱۳۸۰ق، ج ۲: ۲۳۹-۲۴۲). به این ترتیب خاطر گروهی از مؤمنان را (خزاعه) که تحت فشار و شکنجه سخت این گروه سنگدل (بنی بکر) قرار گرفته بودند و در این راه قربانیانی داده بودند، تسلی می‌دهد؛ بنابراین آنچه در این آیه آمده، «لذت بردن» از کشتار مشرکین نیست؛ بلکه تسلی خاطر برای انسان‌هایی است که عزیزانشان توسط عده‌ای انسان پیمان‌شکن از گروه مشرکین مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته است.

نکته سوم: بیان جلوه‌هایی از رحمت خداوند با مشرکان بر اساس آیات ابتدایی سوره توبه: الف) مشرکان مکه بدون اعلام قبلی به رسول خدا (ص) پیمان خود را شکستند؛ اما خداوند به پیامبر دستور می‌دهد نقض پیمان را به آن‌ها اعلام و چهار ماه فرصت بدهد: «فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ» (توبه/۲).

ب) به مشرکان فرصت بازگشت می‌دهد و چنان‌که مشرکان (از بنی بکر) بر مؤمنان (از بنی خزاعه) به یک‌باره و شبانه حمله کردند، شیخون نمی‌زند و فرصت بازگشت می‌دهد: «فَإِنْ تُبْتِغُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (توبه/۳).

ج) پای بندی پیامبر (ص) بر همه تعهدات، با مشرکینی که با پیامبر (ص) معاهده دارند، تا پایان مدت پیمان: «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ... فَأَتُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ» (توبه/۴).

د. پیامبر (ص) موظف است، به درخواست پناهندگی مشرکان برای تحقیق و شناخت عقاید و افکار اسلامی، پاسخ مثبت دهد: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» (توبه/۶).

ه) پیامبر (ص) و مسلمانان موظف هستند امنیت مشرکان بازگشت کننده را تضمین کنند تا با فکر آسوده، مسیر باورمندی را انتخاب کنند: «ثُمَّ أَلْبِغُهُ مَأْمَنَهُ» (توبه/۶).

و) اگر مشرکان بر عهد خود بودند، پیامبر نیز باید متعهد بماند: «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» (توبه/۷).

این‌ها همه جلوه‌های مهربانی خداوند با مشرکان است و نشان از این است که در رحمت و مهربانی خداوند برای تمام مشرکان باز است. ضمن اینکه خداوند در قرآن کریم با روش‌های متعددی که در نوشتار حاضر تبیین شد، این مهربانی را بر تمام انسان‌ها حتی مشرکان اثبات می‌کند:

توبه پذیری: برابری مشرکان با مسلمانان در صورتی که اهل بازگشت از خطا باشند: «فَإِنْ تَابُوا... فَأُولَٰئِكَ فِي الدِّينِ» (توبه/۱۱).

تأخیر در کیفر: «وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ لَعَجَلَ لَهُمُ الْعَذَابَ» (کهف/۵۸).
«و پروردگارت، بسیار آمرزنده و صاحب رحمت است؛ اگر می‌خواست آنان را به خاطر اعمالشان مجازات کند، عذاب را هر چه زودتر برای آن‌ها می‌فرستاد».

تبشیر و امیدوار نمودن مشرکان: «وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّو كَانُوا يَفْقَهُونَ» (بقره/۱۰۳)؛ و اگر آن‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، پاداشی که نزد خداست، برای آنان بهتر بود، اگر آگاهی داشتند.

۳-۶. خدا شما را خیلی دوست دارد، به همین خاطر جهنم را خلق کرد.^۱

پاسخ و نقد: آتنیست در این شبهه به جمله یکی از رهبران فکری خود به نام «کریستوفر

^۱ <https://www.instagram.com/p/CMC5y00JWFM>.

هیچنژ^۱ پرداخته است. وی نویسنده انگلیسی-آمریکایی و از پیشتازان مکتب آتیسم‌نوا است و در این شبیهه به باورمندان طعن زده و خداوند را موجودی بی‌رحم توصیف می‌کند و به مخاطب القاء می‌کند که اگر واقعاً خداوند تو را دوست می‌داشت، جهنم را نمی‌آفرید.

در پاسخ شبیهه مذکور توجه به چهار نکته لازم است:

نکته اول: خداوند نسبت به بندگان خود رؤف و مهربان است و همین مهربانی او اقتضا می‌کند جهت هدایت انسان برای او آیینی تشریح کند و در سایه آن تکالیفی برای نوع بشر مقرر نماید و چون انسان را در انجام این تکالیف مختار قرار داد، اکراهی بر آن‌ها روا نداشت و از طرفی علم داشت که عده‌ای از سر اختیار، این تکالیف را انجام می‌دهند و عده‌ای سرباز می‌زنند؛ بنابراین حکمت او اقتضا می‌کند برای باورمندان، ثواب و پاداش و برای کسانی که سرباز می‌زنند کیفر قرار دهد. به همین مناسبت اگر وعد و وعید الهی نبود، فرستادن پیام‌آوران و نزول کتاب‌های دینی کاری عبث بود. پس لازم است خداوند نسبت به وعده‌هایی که داده است و ثواب‌هایی که برای اعمال نیک اعلام نموده، جامه عمل بپوشاند و تخلف ننماید (چون عقلاً و شرعاً تخلف از وعده بر فرد حکیم نارواست) و از طرفی خداوند به ستمگران و کسانی که حقوق دیگران را ضایع می‌کنند، هشدار عذاب داده است. پس اگر نسبت به این عذاب‌ها تخلف نشان دهد لازمه‌اش کذب است و خداوند حکیم دروغ نمی‌گوید به عبارتی «خداوند از این روی که به ایمان و اطاعت، وعده ثواب و به کفر و معصیت وعید عقاب و سزای بد داده چنان که فرموده، خلف وعده نخواهد نمود» (طباطبایی، ۱۳۸۸ش: ۱۶۱-۱۶۲).

نکته دوم: توجه به مسئله اختیار انسان

توضیح اینکه وقتی به آفرینش انسان نگاه می‌کنیم، او را موجودی مختار می‌بینیم؛ بنابراین بایست زمینه به گونه‌ای فراهم شود که هم امکان انتخاب راه خوب باشد و هم امکان انتخاب راه بد. کسی لیاقت رفتن به بهشت را پیدا می‌کند که برای او امکان رفتن به جهنم هم وجود داشته باشد. اگر تنها یک راه وجود داشته باشد انتخاب معنا ندارد. اگر بنا نبود موجود مختاری در عالم خلق شود، خدا جهنم را هم خلق نمی‌کرد.

نکته سوم: توجه به فلسفه آفرینش جهنم

همان‌طور که در نکته اول به‌طور اشاره بیان شد، وجود جهنم موجب التیام درد مظلومانی است که توان استیفای حق خود را ندارند. سنت خداوند بر این امر استوار است که پاداش اعمال خوب انسان و کیفر اعمال بد او را بدهد؛ بنابراین کسی که در دنیا چند نفر را به قتل رسانده، چگونه می‌شود او را به کیفر همه اعمال زشتش رساند؟ اگر او را بکشند در واقع کیفر قتل یک نفر را متحمل شده است، پس در اینجا حق دیگران چه می‌شود؟ پس جهنمی باید باشد تا ظالمان به کیفر واقعی اعمال خود برسند.

از سویی ترس از جهنم باعث می‌شود که خوب‌ها بد نشوند و بد‌ها بدتر نشوند. در واقع ترس از جهنم موجب می‌شود که هر کس — هر چند به‌صورت نسبی — حدی برای بدی‌های خود قائل شود. به‌عنوان مثال اگر شخصی چاقو کشی می‌کند سعی کند که دیگر آدم کشی نکند یا اگر کسی به دلیلی یکی را کشت مراقب باشد که دیگر نفر دوم را نکشد و ... (این ترس امنیت اجتماعی و اخلاقی را در جامعه بالاتر می‌برد). از همین رو یاد جهنم و ترس از آن باعث می‌شود برخی از انسان‌ها اعمال صالح انجام دهند و در نهایت بهشتی شوند. این مورد را به سخت‌گیری‌های معلم و مدیر مدرسه می‌توان تشبیه کرد که موجب می‌شود برخی از دانش‌آموزان به تحصیلات خود ادامه دهند و به مقامات عالیه دست یابند.

نکته چهارم: جهنم اثر عمل انسان خطا پیشه

باید گفت بر اساس آیات قرآن، آفرینش جهنم نتیجه عدالت خداوند و ساخته خود انسان است، توضیح اینکه انسان در این دنیا با باور و اعمال خود شخصیتی دیگر برای جهانی دیگر مهیا می‌سازد، طوری که هر قدر این شخصیت کامل و پاک از جرم و خطا باشد، طبعاً در آن دنیا نیز متنعم خواهد بود؛ اما اگر در این دنیا گرایش به جرم و خطا داشته باشد، شخصیتی ناقص از خود در آخرت مشاهده خواهد کرد. این چیزی است که قرآن کریم در آیات فراوانی بدان تأکید دارد:

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله / ۷-۸)؛ پس هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند! و هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند.

«إِنَّمَا تُجْرَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (تحریم / ۷)؛ تنها به اعمالتان جزا داده می‌شوید.

«الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ» (غافر/ ۱۷)؛ امروز هر کس در برابر کاری که انجام داده است پاداش داده می‌شود؛ امروز هیچ ظلمی (بر کسی) نیست. بنابراین، کیفر اخروی نتیجه عدل الهی است، چون خداوند دستوراتی را صادر فرموده تا نظام اجتماعی انسان‌ها سامان پیدا کند و در مقابل این دستورات، مردم دو دسته‌اند: عده‌ای این تکالیف را انجام می‌دهند و مستحق ثواب می‌شوند و عده‌ای سر باز می‌زنند و چون حیات دنیوی ظرفیت پاداش‌دهی یا مجازات عادلانه همه اعمال انسان را ندارد باید دنیایی دیگر با قوانین مخصوص به خود باشد تا حق را به حق‌دار برساند. به تعبیری دیگر «عدل الهی مقتضی آن است که دنیای دیگری با شرایط خاص وجود داشته باشد تا هر انسانی از این دو گروه (نیکوکاران و بدکاران) به پاداش و کیفر متناسب با عملی که انجام داده است برسد» (مطهری، بی‌تا: ۵۰).

بنابراین خداوند با آفرینش جهنم در صدد انتقام از بندگان نیست؛ بلکه خلق جهنم در راستای تحقق عدالتی است که دنیا ظرفیت برپایی آن را برای خطاکاران نداشته است و نتیجه عملی است که انسان خطا پیشه از پیش فرستاده است، پس اصل بر مهربانی خداوند است؛ زیرا که او رحمت را بر خود فرض کرده است و قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت انسان از طریق روش‌های متعددی این مهربانی خداوند را نمایان کرده است و گذشت که پاداش الهی با تفضل همراه است و او توبه پذیر است و اگرچه خداوند وعید عذاب را به خطاکاران داده است؛ اما در توبه را برای بزرگ‌ترین خطاکاران باز گذاشته است و از پیش بشارت و انذار داده است.

۴-۶. آفرینش بدون گناه انسان بدون نیاز به کیفر

آتئیست برای این که به مخاطب خود ثابت کند، خداوند باورمندان، خداوند بی‌رحمی است، او بندگان را مجازات و کیفر می‌کند، به جمله‌ای از «موریس مترلینگ بلژیکی»^۱ استناد می‌کند: «بهتر این بود که خداوند ما را از روز نخست طوری خلق می‌کرد که قدرت ارتکاب گناه را نداشته باشیم نه اینکه ما را بیافریند و بعد کیفرمان کند».^۲

مهربانی خداوند اقتضاء می‌کند خداوند حکیم بندگانش را مختار آفریده باشد و جبری بر آن‌ها حاکم نکند. در آیات فراوانی خداوند به بندگانش می‌فرماید: «لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا» (انعام/ ۱۰۷)؛ اگر خدا می‌خواست، (همه به اجبار ایمان می‌آوردند) و هیچ‌یک مشرک

1. Maurice Maeterlinck.

2. <https://www.instagram.com/p/BITHGjFMW>.

نمی‌شدند. همچنین این آیه: «لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (مائده/۴۸)؛ اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرار می‌داد. آیات مذکور بیانگر این حقیقت است که خداوند از روی لطف و احسانی که به تمام بندگان دارد سکان زندگی و اداره حیات را به دست خود آن‌ها داده است و اراده او به جبر بندگان در اعمال و رفتارشان تعلق نگرفته است. از طرفی دلایل عقلی و نقلی فراوانی در مختار بودن انسان نسبت به انجام اعمالش وجود دارد؛ بنابراین اگر کفیری در آخرت گریبان گیر انسان می‌شود، نتیجه عملکرد اختیاری او در این دنیا است و این عین عدالت و مهربانی خداوند است. به‌عنوان مثال هر عاقلی مدح بر لطف و نیکی و نکوهش و مذمت بر ظلم را نیکو می‌شمارد و این حقیقت متفرع بر این است که انسان نیک کردار و انسان بدکار فاعل عمل خویش باشند. به همین خاطر برخی از دانشمندان علم کلام می‌گویند: «ما با درک وجدانی می‌یابیم که افعالمان تابع انگیزه‌های ما هستند و اختیار، معنایی جز این ندارد» (بحرانی، ۱۴۰۶ق: ۱۰۸).

محقق طوسی نیز فاعلیت و اختیار انسان را بدیهی دانسته و می‌گوید: «و الضرورة قاضیه باستناد افعالنا الینا» (حلی، ۱۳۸۸: ۶۸)؛ درک بدیهی، گواه بر این است که افعال ما مستند به ما می‌باشند. حال بر اساس آیات قرآن نیز، خداوند می‌توانست همه انسان‌ها را مؤمن و بهشتی قرار دهد: «وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا» (سجده ۱۳)؛ اما ایمانی که با اجبار صورت پذیرد، ارزشی ندارد، مسیری که با اجبار انتخاب شود، ارزشمند نخواهد بود، به همین خاطر خدا انسان را تنها به راه درست رهنمون می‌کند: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ» (انسان/ ۳) و طی طریق را برایش میسر می‌نماید: «ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ» (عبس/ ۲۰) و این انسان است که با اراده و اختیار خود، یا راه ناسپاسی در پیش می‌گیرد یا مسیر صحیح را انتخاب می‌کند و این عین لطف و رحمت خداوند بر اوست؛ اما در این که چرا بندگان را کفیر می‌کند، نیاز به مقدمه‌ای داریم تا رابطه بین دنیا و آخرت و عمل و کفیر مشخص شود:

بر طبق آیات قرآن در حقیقت انسان در دنیا با باورها و اعمال خود صورتی از خویش را برای جهانی دیگر مهیا می‌سازد، به‌طوری که اگر در این دنیا به‌عنوان یک انسان، خود را کامل کند، در آنجا نیز به‌طور کامل ظاهر می‌شود و اگر در باورها و اعمال خود نقصی وجود داشته باشد، در آخرت نیز این کاستی و نقص در جنبه مخصوص به خود نمایان می‌شود. این

توضیح رابطه دنیا و آخرت و معنای واقعی «مزرعه بودن دنیا برای آخرت» است؛ اما در رابطه با عمل انسان، کیفر و مجازات او سه حالت وجود دارد:

«۱. مجازات قراردادی: از نوع کیفرهایی است که در مقررات جزایی استفاده می‌شود؛ این نوع مجازات بیشتر جنبه‌ی عبرت‌آموزی دارد و دو فایده‌ی مهم بر آن مترتب است، جلوگیری از تکرار جرم و تسلی خاطر مظلوم. ۲. کیفر تکوینی دنیایی: کیفرهایی که رابطه علی و معلولی با جرم دارد، به گونه‌ای که مجازات معلول جرم و نتیجه طبیعی آن است؛ مثلاً اگر کسی غذای سمی بخورد و به هشدارهای دیگران توجهی نکند، خواهد مُرد. ۳. کیفر تکوینی اخروی: مجازات اخروی یک نوع رابطه تکوینی با عمل دارند که به مراتب قوی‌تر از قسم دوم است. در آنجا بین عمل و کیفر و جزا و پاداش رابطه «عینیت و اتحاد» حکم فرماست و هر آنچه در دنیا صورت می‌گیرد در آخرت پیش روی آدمی خواهد بود» (میرزا پور، ۱۳۸۴ش: ۱۰-۱۱).

رابطه عمل انسان با کیفر اخروی از نوع سوم است و آنچه در قرآن کریم در مورد پاداش اعمال نیک و کیفر خطاها آمده است از این قسم است و دقیقاً به همین دلیل خداوند در قرآن کریم اعلام می‌کند انسان در آخرت عین عمل خود را می‌بیند و این گونه نیست که خداوند در مقام تلافی و انتقام از بنده‌اش برآید و او را مجازات کند: «يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ» (نبا/ ۴۰). نتیجه اینکه این عین مهربانی خداوند است که انسان را با اراده و اختیار آفریده و حالت جبر را بر او حاکم نکرده است و اگر کیفری در آخرت وجود دارد، نتیجه عملکرد خود انسان است و انسان دقیقاً عمل خود را می‌بیند و مجازات او در آخرت جنبه انتقام شخصی ندارد.

نتیجه‌گیری

۱. امروزه با گسترش ارتباطات و مخصوصاً شبکه‌های مجازی و اجتماعی شاهد انتشار شبهات فراوانی پیرامون خشونت در اسلام و نامهربانی خداوند با بندگان هستیم؛ آنچه از نوشتار حاضر حاصل می‌شود این است که با تمسک به آیات کریمه قرآن و برخی روایات صادره از معصومین (ع) می‌توان به این انگاره‌های خداناباوران در فضای مجازی پاسخ گفت و دیدگاه‌های آنها را به چالش کشید.

۲. قرآن کریم با ارائه روش‌های متعددی رحمت و مهربانی خداوند را اثبات کرده، ما نیز می‌توانیم با تمسک به برخی از آن‌ها مثل تکریم و احترام بندگان، تفضل بر بندگان، عیب‌پوشی، توبه‌پذیری، موعظه، تبشیر و امیدواری و انذار به شبهات آتئیست‌ها در فضای مجازی پاسخ دهیم.

۳. آتئیست‌ها برای خراب کردن چهره اسلام و خداوند به تقطیع آیات می‌پردازند؛ اما آنچه در جای‌جای آیات کریمه قرآن وجود دارد، صحبت از رحمت و مهربانی خداوند است و اگر درجایی سخن از عذاب مجرمان و خطاپیشه‌گان است، مقتضای عدالت اوست که با بررسی دقیق آیات قرآن هر انسانی با تأمل بدان راه پیدا می‌کند.

۴. آنچه از ظاهر آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود، این است که خداوند پیوسته در امر آفرینش رحمت را بر خود فرض کرده و مهربانی او بر غضب و عذابش پیش دارد.

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی (تحقیق صبحی صالح)، ۱۴۱۴ ق، قم، هجرت.
- ۳) ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۸۵ ش). **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دارصادر.
- ۴) ابن فارس، ابوالحسین. (۱۲۹۹ ق). **معجم مقاییس اللغه**. قم: دارالفکر.
- ۵) ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۷۵ ش). **لسان العرب**. بیروت: دارصادر.
- ۶) انصاریان، حسین. (۱۳۹۳ ش). **ترجمه قرآن کریم**. تهران: تلاوت.
- ۷) باقری نیا، حسن. (۱۳۹۳). روش تربیتی موعظه، چالش‌ها و آسیبها با تأکید بر آموزه‌های قرآنی. **پژوهشنامه معارف قرآنی**. ش ۱۶، ص ۵۷-۷۵.
- ۸) بحرانی، ابن میثم. (۱۴۰۶ ق). **قواعد المرام فی علم الکلام**. قم: المکتبه آیت الله مرعشی.
- ۹) جعفری، میرشاه و دیگران. (۱۳۸۴ ش). رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه. **اندیشه دینی**. ش ۱۵، ۹۹-۱۱۸.
- ۱۰) جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ ق). **تاج اللغه و صحاح العربیه**. بیروت: دارالعلم.
- ۱۱) جهانگیری، عیسی. (۱۳۹۱ ش). **شیعه در فضای مجازی**. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام (ره).
- ۱۲) حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۳۸۰ ش). **الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة**. تهران: دهقان.
- ۱۳) ----- (۱۴۰۹ ق). **وسائل الشیعه**. قم: آل البیت.
- ۱۴) حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۸ ش). **کشف المراد فی شرح تجرید لاعتقاد**. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۵) حویزی، عبدعلی. (۱۴۱۵ ق). **نور الثقلین**. قم: اسماعیلیان.
- ۱۶) خنفر، حسین. (۱۳۸۸ ش). **نگاهی دوباره به روش‌ها و فنون تدریس**. قم: بوستان کتاب.
- ۱۷) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ ش). **المفردات فی غریب القرآن**. دمشق: دارالقلم.
- ۱۸) ساروخانی، باقر. (۱۳۹۵ ش). **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی: روش‌های کمی آمار**. تهران: نشر دیدآور.
- ۱۹) صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۶ ش). **الامالی (للسدوق)**. تهران: کتابچی.
- ۲۰) طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۸ ش). **شیعه در اسلام**. قم: بوستان کتاب.
- ۲۱) ----- (۱۳۹۰ ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: موسسه العلمیه للمطبوعات.
- ۲۲) طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
- ۲۳) طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۲۴) علم الهدی، علی بن الحسین. (۱۹۹۸ م). **الامالی (المرتضی)**. قاهره: دارالفکر العربی.
- ۲۵) عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ ق). **تفسیر عیاشی**. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- ۲۶) فیض کاشانی، محسن. (۱۴۱۷ ق). **المحججه البیضاء**. قم: نشر اسلامی.
- ۲۷) قرآتی، محسن. (۱۳۸۸ ش). **تفسیر نور**. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۲۸) کفعمی، ابراهیم بن علی. (۱۴۰۵ ق). **المصباح**. قم: دارالرضی.
- ۲۹) مطهری، مرتضی. (بی تا). **حیات اخروی**. تهران: صدرا.

- ۳۰) مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ ش). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۱) موسوی، س. م. (۱۳۷۹ ش). تبشیر و انذار دو رکن اساسی تبلیغ. **مبلغان**. ش ۱۲. ۶۳-۷۱.
- ۳۲) میرزاپور، محسن. (۱۳۸۴ ش). ارتباط دنیا و آخرت. **صبح**. ش ۱۵ و ۱۶.
- ۳۳) نساجی زواره، اسماعیل. (۱۳۸۴ ش). راهبردهای تکریم شخصیت در سیره معصومین. **پاسدار اسلام**. ش ۲۸۹.
- ۳۴) وینر، نوربرت. (۱۳۷۲ ش). **استفاده انسانی از انسانها سایبرنتیک و جامعه**. ترجمه مهرداد ارجمند، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- ۳۵) هیک، جان. (۱۳۹۰ ش). **فلسفه دین**. ترجمه بهزاد سالکی. تهران: الهدی.

36) Flew, Antony. (1966). **God and Philosophy**. Harcourt: New York.

37) Kizza, J. M. (1998). **Ethical and Social Issues in Cyberspace**. Ethical and Social Issues in the Information Age. p 141-166.

Sources and references

1. Holy Quran.
2. Nahj al-Balagha, compiled by Sharif Razi (Tahqiq Sobhi Saleh), ۱۴۱۴AH, Qom, Hijra.
3. Athir Jazri, Mubarak bin Muhammad. (۱۳۸۵). Al-Kamal fi al-Tarikh. Beirut: Dar Sader.
4. Ibn Faris, Abul Hussein. (۱۲۹۹AH). Glossary of Linguistic Scales. Qom: Dar al-Fekr.
5. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. (۱۳۷۵). Arabic language Beirut: Dar Sader.
6. Hossein. (۲۰۱۳). Translation of the Holy Quran. Tehran: Recitation.
7. Hassan. (۲۰۱۳). The educational method of preaching, challenges and harms with an emphasis on Quranic teachings. Research paper on Quranic studies. No. ۱۶, pp. ۷۵-۵۷
8. Bahrani, Ibn Maytham. (۱۴۰۶AH). The rules of al-Maram in the science of al-kalam. Qom: Al-Maktab Ayatollah Marashi.
9. Jafari, Mirshah and others. (۱۳۸۴). An approach to the Islamic education system from the perspective of Sahifa Sajjadiyeh. religious thought Sh. ۱۵. ۹۹-۱۱۸.
10. Johari, Ismail bin Hamad. (۱۴۰۷AH). Tajullaghe and Sahah al-Arabiyyah. Beirut: Darul Alam.
11. Jahangiri, Isa. (۲۰۱۱). Shia in cyber space. Qom: Imam Educational and Research Institute (RA.)
12. Haramali, Mohammad bin Hasan. (۱۳۸۰). Al-Jawahir al-Sunniyyah in al-Ahadith al-Qudsiyyah. Tehran: Dehghan.
13. ----- (AH). Al-Wasal al-Shia, Qom: Al-Al-Bayt.
14. Hali, Hassan bin Yusuf. (۱۳۸۸). The discovery of meaning in the description of the abstraction of belief. Qom: Society of teachers of Qom seminary.

15. Hawizi, Abdul Ali. (۱۴۱۵AH). Noor al-Saqlain Qom: Ismailian.
16. Khanifar, Hossein. (۱۳۸۸). A new look at teaching methods and techniques. Qom: Bostan Kitab.
17. Esfahani, Hossein bin Mohammad (۱۳۷۴). Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an. Damascus: Dar al-Qalam.
18. , Bagher. (۲۰۱۶). Research methods in social sciences: quantitative methods of statistics. Tehran: Didavar publication.
19. , Muhammad bin Ali. (۱۳۷۶). Al-Amali (Lal Saduq). Tehran: Katabchi.
20. Tabatabai, Mohammad Hossein. (۱۳۸۸). Shia in Islam. Qom: Bostan Kitab.
21. ----- (۱۳۹۰AH). Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an. Beirut: Al-Alamiya Press Institute.
22. Tabarsi, Fazl bin Hasan. (۱۳۷۲). Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Tehran: Nasser Khosrow.
23. , Mohammad Bin Hasan. (Beta). Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi.
24. al-Hadi, Ali ibn al-Hussein. (۱۹۹۸AD). Al-Amali (Al-Mortaza). Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi.
25. Ayashi, Mohammad Bin Massoud. (۱۳۸۰AD). Interpretation of revelry. Tehran: Ulamiyyah Islamic School.
26. Faiz Kashani, Mohsen. (۱۴۱۷AH). Al-Mahjah Al-Bayda Qom: Islamic Publishing House.
27. Qaraeti, Mohsen. (۱۳۸۸). Interpretation of light. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.
28. Kafami, Ibrahim bin Ali. (۱۴۰۵AH). the lamp Qom: Dar al-Rezi.
29. Motahari, Morteza. (Beta). afterlife Tehran: Sadra.
30. Shirazi, Naser. (۱۳۷۱). Sample interpretation. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.
31. Mousavi, S. AD (۱۳۷۹). Evangelism and warning are the two basic pillars of advertising. missionaries Sh. ۱۲. ۶۳-۷۱
32. , Mohsen. (۱۳۸۴). The connection between the world and the hereafter. morning No. ۱۵and .۱۶
33. Zavareh, Ismail. (۱۳۸۴). Strategies of character honoring in Sirah Masoomin. Guardian of Islam Sh .۲۸۹
34. Wiener, Norbert. (۱۳۷۲). Human use of cybernetic humans and society. Translated by Mehrdad Arjamand, Tehran: Islamic Revolution Education.
35. , John. (۲۰۱۰). Philosophy of Religion. Translated by Behzad Saleki. Tehran: Al-Hadi.
36. Flew, Antony (۱۹۶۶). God and Philosophy. Harcourt: New York.
37. Kizza, J. M. (۱۹۹۸). Ethical and Social Issues in Cyberspace. Ethical and Social Issues in the Information Age.p .۱۶۶-۱۴۱